



موجب سوءاستفاده برخی شده بود. به ایشان می‌گفتیم فکر نکنید همه این گزارشاتی که برخی افراد به شما می‌دهند راست است. همه این آدم‌هایک جاهایی به واسطه جایگاه خود دروغ‌هایی به شما می‌گویند. آنها به این مسأله واقف بودند که اگر شهید فخری‌زاده موضوع را بفهمند هم چشم‌پوشی دارند و خیلی طرف را ضایع نمی‌کنند بنابراین در کوتاه مدت بهره می‌برند. اما بالاخره همه این دروغ‌ها روزی برملا می‌شود شاید در یک مقطع زمانی به هدف مورد نظرشان برسند اما امکان ندارد که دروغی گفته شود و افشا نشود چون بالاخره سیستم ناظر دارد و مطمئناً این اتفاق برای آنها هم می‌افتاد. شهید فخری‌زاده از مدیرانی بودند که حیف شدرفتند.

دغدغه حوزه فلسفه و علم

شهید فخری‌زاده از جوانی دغدغه حوزه فلسفه و علم را داشتند و همزمان روی سه، چهار موضوع کار کرده بودند یکی از این موضوعات مهم همین بحث فلسفه علم بود. فلسفه علم به معنای متعارف فلسفه، علم نیست و با مطالبی که در دانشگاه مطرح می‌شود و به وسیله آن تاریخ علم را مرور می‌کنید، فرق دارد. در فلسفه علم مباحث دیگری را مدنظر داشتند و چون فلسفه کار کرده بودند بحث‌شان این بود که چون فلسفه پایه علم است از آن می‌توان به علم و فناوری رسید و علاوه بر این فلسفه می‌تواند روی فناوری‌ای که تولید می‌کنیم هم تأثیر بگذارد. شهید فخری‌زاده بر همین مبنا معتقد بودند که فلسفه در نوع فناوری و کاربرد آن تأثیر دارد و در جهت دهی فناوری اثرگذار است این موضوع خیلی برای شهید فخری‌زاده مهم بود و از این منظر نو به مقوله فلسفه و فناوری نگاه می‌کردند. این نگرش در کشور ما و در حوزه مورد مطالعه فلسفه نگاه نوآورانه‌ای بود و شهید فخری‌زاده از این منظر به فلسفه علم می‌پرداختند و در همین راستا گروه فلسفه را تاسیس و فلسفه علوم بنیادین را مطرح کردند. یکی از کارهای ما هم این بود که فلسفیدن روی این موضوعات داشته باشیم و جلسات هفتگی را با این محوریت برگزار می‌کردیم این جلسات در ابتدا چند نفره برگزار می‌شد آن زمان که گروه کوچکی بود و پنجشنبه‌ها جلسه داشتند عضو گروه بودم و در نشست‌ها حضور داشتم و درباره این مبانی بحث می‌کردیم این گروه چند نفره به مرور گسترده شد و گروه فلسفه علوم بنیادین بر مبنای آن شکل گرفت. وقتی شهید فخری‌زاده این نوع نگاه به فلسفه علم را با افراد بزرگی مثل آقای گلشنی و دینانی مطرح می‌کردند. این نوع نگاه برای‌شان جدید و جذاب بود. جلساتی که با همه تلاش‌هایی که صورت گرفت پس از شهادت شهید فخری‌زاده تعطیل شد و جای تأسف دارد.

حیف بود شهید نشود

اگر شهید نمی‌شدند حیف بود. حیف است که این آدم‌ها این طور از این دنیا نروند چون تمام عمر و زندگی خود را در این مسیر گذاشتند. این آدم‌ها زندگی نکردند. نه اوقاتی که با خانواده سپری کردند برای‌شان معمول و درست و حسابی بود و نه سفر آنها. افرادی مثل شهید فخری‌زاده لذت‌های معمول و متعارف آدم‌های معمولی را نداشتند. چون می‌دانستم کتابخوان هستند و نمی‌توانند به دلایل امنیتی به نمایشگاه کتاب یا کتابفروشی بروند، خیلی مواقع با شناختی که داشتم کتابی برای شهید فخری‌زاده می‌خریدم و به ایشان هدیه می‌دادم. فکر کنید شخصیتی با این طراز علمی امکان این را نداشتند که بتواند به یک کتابفروشی بروند و ساعتی در آنجا به کتاب‌های مورد علاقه‌شان بپردازند، نمی‌گویم مرکز خرید حتی کتابفروشی هم نمی‌توانستند، بروند. این آدم‌ها عملاً از این منظر زندگی ندارند درست است از منظر خودشان زندگی رفیعی داشتند ولی در لذت‌های طبیعی زندگی نبودند.

و فلسفه را داشت و چون فیزیک خوانده بود، در این حوزه هم فعال بود. مبانی فیزیک را خوب خوانده بود و کمتر کسی را می‌توان دید که در ادبیات، فیزیک، عرفان و فلسفه کار کرده و به آن مسلط باشد. رسمی بود که هر سال عید نوروز بهاریه می‌خواند. اولین سخنرانی شهید فخری‌زاده بعد از سال جدید، بهاریه خوانی و تفسیر آن بود. قطعاً صوت این برنامه‌ها موجود است. در این زمینه صاحب نظر و تسلط ایشان به این حوزه‌ها در این سخنان کاملاً مشهود بود.

عشق به شهادت

عشق به شهادت در ایشان تا حدی بود که به شهادت رسیدند. باید به خدا نزدیک شوید تا چنین شهادتی نصیب‌تان شود. این‌که در جنگ می‌جنگید و شهید می‌شوید با این‌که در معرکه این چنینی شهید شوید، فرق دارد. شهادت در معرکه جنگی ارزشمند است ولی وقتی فردی این طور شهید می‌شود، یعنی در ارتباط با خدا به حدی بود که انتخاب شده است. این‌که در وسط شهر این طور شما را بزنند، یعنی اینجا انتخاب شدید که شهید شوید. ارتباطان با خدا آن قدر خوب بوده که به اینجا رسیدید. بحث‌های ارتباطی با خدا موضوع جداگانه‌ای است اما در مسأله امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) بسیار حساس بودند. یاد می‌آید مسافر بودیم و با ماشین جایی می‌رفتیم، آن موقع محرم مصادف با عید نوروز بود و بنا به مأموریتی با هم بودیم. ما دو نفر و یک راننده در ماشین بودیم و مداحی درباره حضرت زینب (س) پخش می‌شد و شهید فخری‌زاده زار زار گریه می‌کردند. این گریه عادی نبود، هق هق بود و بدن ایشان در حین گریه می‌لرزید. برای من خیلی جالب بود که من نشست‌ام و راننده هم حضور دارد و این طور گریه می‌کنند. درباره شهادت نیز تکه‌ای از سخنرانی ایشان وجود دارد که شعری را درباره شهادت می‌خوانند. همیشه می‌خواستند که عاقبت‌شان ختم به شهادت شود. این عبارتی بود که همواره به آن تاکید داشتند.

درستی و صداقت

درستی و صداقت از صفات بارز ایشان بود که زیانده همه بود. شهید فخری‌زاده به حدی خوب بودند و مبنا را بر حسن نیت آدم‌ها می‌گذاشتند که یکسری مدیران از شهید فخری‌زاده سوءاستفاده می‌کردند. شهید فخری‌زاده نمی‌خواستند آدم‌های خود را خراب کنند. حسن نیت داشتند که شما آدم راستگویی هستید و قرار نیست دروغی بگویید. اگر می‌فهمیدند که مسأله‌ای دروغ است باز هم آن را نمایان نمی‌کردند و این خصلت



شهید فخری‌زاده معتقد

بود که فلسفه در نوع

فناوری و کاربرد آن تأثیر

دارد و در جهت دهی

فناوری اثرگذار است

این موضوع خیلی برای

ایشان مهم بود و از

این منظر نو به مقوله

فلسفه و فناوری نگاه

می‌کردند